



فرهنگ تاتی، دکتر جهان دوست سبزی‌علی‌پور، فرهنگ ایلیا، رشت، ۱۳۹۰، ۴۲۵ ص.

راحله ایزدی‌فر^۱

مقدمه

مدتهاست که اغلب زبان‌ها و گویش‌های ایرانی زیر نفوذ زبان فارسی و رسانه‌های جمعی قرار گرفته و همچون کوهی یخی در حال نابود شدن هستند. جمع‌آوری، ثبت، توصیف و تحلیل این میراث‌های عظیم انسانی نه تنها به دوام طولانی مدت آنها کمک شایانی می‌کند، بلکه باعث شناسایی بیشتر زبان‌های ایرانی می‌شود. نوشتن فرهنگ لغت برای یک زبان و گویش یکی از راه‌های ثبت و توصیف آن است، چرا که زبان همواره در حال تغییر و تحول است؛ همواره واژه‌های جدید در اثر نیاز گویشوران وارد زبان می‌شوند و واژه‌هایی نیز در اثر گذشت زمان و عدم استفاده از ذهن افراد گویشور آن زبان حذف می‌شوند و یا دچار تغییر معنایی می‌شوند.

زبان تاتی یکی از زبان‌های ایرانی‌نوشاخه شمال‌غربی است که در سال‌های اخیر درباره آن تحقیق‌های ارزشمندی انجام شده است. این زبان به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که گروه شمالی در خارج از ایران در داغستان (در بند)، منتهی‌الیه شمال شرقی جمهوری آذربایجان (باکو و وارتاشین) و گروه جنوبی در ایران در مناطقی در جنوب غربی قزوین (تاکستانی، شالی، خیارچی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفانی، اسفرورینی و خوزینی)، اشتهارد کرج، خلخال (دو بخش شاهرود و خورش رستم)، زنجان (خوبین و طارم علیا)، آذربایجان شرقی (هرزند، دیزمار، کرینگان، کلیبر)، الموت و کوهپایه، رودبار (بخش‌های جیرنده، بره‌سر و فاراب)، شمال خراسان (جلگه شوغان و منطقه چهارده سنخواست) تکلم می‌شود.

تاتی خلخال یکی از گونه‌های ذکر شده است که به علت در برداشتن ویژگی‌های زبانی کهن و ارتباطش با زبان آذری (زبان قدیم آذربایجان) بیشتر مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. کتاب جدید «فرهنگ تاتی» که بر مبنای گونهٔ دروی (dərav-i) یکی از روستاهای شاهرود خلخال، اخیراً به بازار آمده است، یکی از پژوهش‌های ارزنده در این زمینه است.

مجموعه‌ای که تحت عنوان فرهنگ تاتی گردآوری شده است، فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی است و دربردارنده قریب به ده هزار مدخل می‌باشد؛ نویسنده در مقدمه اثر اشاره کرده که جمع‌آوری مدخل‌های فرهنگ مذکور بیش از ده سال به طول انجامیده است. با توجه به اینکه مولف فرهنگ خود گویشور گونه دروی زبان تاتی است، گردآوری واژگان فرهنگ تاتی توسط ایشان بر غنا و دقت اثر افزوده و از نقاط قوت این فرهنگ واژگان در مقایسه با سایر فرهنگ‌ها به شمار می‌رود.

کتاب فرهنگ تاتی دارای مقدمه‌ای ۳۲ صفحه‌ای، و پنجاه و سه فصل واژه‌نامه (۳۱۴ صفحه)، نمایه‌الفبایی (۶۱ صفحه)، نقشه‌ای از منطقه و فهرست منابع است. پنجاه و سه فصل کتاب هر کدام به ترتیب به یکی از موضوعات زیر اختصاص دارد: ۱- آب و آبیاری، ۲- آیین‌ها، ۳- ابزار و وسایل زندگی، ۴- اصوات و نام‌آواها، ۵- اعداد، ۶- اعضا و اجزای بدن، ۷- امور اجتماعی، ۸- امور دینی و عبادی، ۹- بار و باربری، ۱۰- بازی و سرگرمی‌ها، ۱۱- باغداری و میوه، ۱۲- بچه‌داری، ۱۳- بیماری‌ها و عارضه‌های بدنی، ۱۴- پوشیدنی‌ها و زیورآلات، ۱۵- پیشه‌ها و سیمت‌ها، ۱۶- ترکیبات فعلی و فعل‌های مرکب، ۱۷- تره‌ها، ۱۸- جای نام‌ها، ۱۹- جغرافیای طبیعی، ۲۰- حیوانات، حشرات و پرندگان، ۲۱- خوراک و واژه‌های آن، ۲۲- خصلت‌های انسانی، ۲۳- خویشاوندی، ۲۴- دامداری، ۲۵- دستور، ۲۶- نفرین‌ها، ۲۷- دعا و نوازش(نازواژه‌ها)، ۲۸- رنگ‌ها و مزه‌ها، ۲۹- ریسندگی و بافندگی، ۳۰- ساختمان و معماری، ۳۱- سبزی‌ها، جالیز و بستان، ۳۲- صفات، ۳۳- ضمائر، ۳۴- عبارات و تکیه کلام‌ها، ۳۵- عروسی، ۳۶- فراورده‌های دامی، ۳۷- قسم‌ها و سوگندها، ۳۸- قیدها، ۳۹- کشاورزی و گندم، ۴۰- کنایات، ۴۱- گاهشماری، ۴۲- گردو و واژه‌های مربوط به آن، ۴۳- گیاهان و علف‌ها، ۴۴- مرگ و سوگواری، ۴۵- مصادر پیشوندی، ۴۶- مصادر ساده، ۴۷- مکان‌های عمومی، ۴۸- نام‌ها، شاخص‌ها و خطاب‌ها، ۴۹- نان و تنور، ۵۰- واحدواژه‌ها (واحد‌های اندازه‌گیری و خرید و فروش)، ۵۱- وضعیت جوی، ۵۲- هم‌یاری و تعاون، ۵۳- واژه‌های متفرقه.

در ابتدای هر فصل فرهنگ ذیل عنوان فصل مربوطه، به صورت کلی گروه واژه‌های گردآوری شده در آن فصل و نیز فصل‌های مرتبط با آن در یک مستطیل معرفی شده‌اند. مؤلف مقدمه نسبتاً مبسوط فرهنگ را با توصیف معنای واژه «تات» شروع کرده و معنا و ریشه آن را از منابع مختلف آورده و معتقد است هنوز معنا و ریشه دقیق این واژه چندان مشخص نیست و نظرات ارائه شده در این زمینه قانع‌کننده نیستند. او سپس به توصیف ویژگی‌های زبان تاتی اعم از نظام آوایی، اسم، ضمیر، صفت، عدد، قید، نقش نماها، پیوند، اصوات، نام آوا، فعل (ماده فعل، مصدر، وندهای فعل، شناسه‌های فعل، وجه فعل، نمود فعل، فعل لازم و متعدی، فعل امر، فعل‌های معین و شبه معین) پرداخته است.

در بخش آوایی آمده است: "نظام آوایی تاتی دارای ۲۲ همخوان و ۶ واکه است. از جمله ویژگی‌های تاتی گونه دروی می‌توان به نبود همخوان /ʒ/ و واکه /o/ در نظام آوایی آن اشاره نمود و نشانه‌هایی از تحولات آوایی بازمانده از زبان‌های کهن ایران نیز در آن وجود دارد." ویژگی‌های عمومی گویش‌های تاتی شامل نشان دادن جنس مونث در اسم‌ها، ضمائر و افعال و کاربرد حرف اضافه پسین است. در برخی گونه‌های تاتی، اسم‌ها به دو گروه مذکر و مونث تقسیم می‌شوند. مقوله شمار در تاتی شامل شمار مفرد و جمع است؛ اسم مفرد بدون نشانه است، برای مثال: liâs «روبا» ، merdak «مرد» و اسم جمع با نشانه (y)ân - همراه است: asiv-ân «سیب‌ها». نظام حالت‌نمایی تاتی شامل دو حالت مستقیم یا فاعلی و غیرمستقیم است، برای مثال: Amad bəše. «احمد(فاعلی) رفت.» و qazâ bard. əAmad- «احمد(غیرفاعلی) غذا خورد». نشانه نکره در تاتی (y)i - است که به دنبال اسم می‌آید. در تاتی، مضاف‌الیه قبل از مضاف می‌آید: Hasan-ə ka «خانه حسن». صفت تاتی نیز قبل از موصوف می‌آید.

بررسی و معرفی آثار پیشین در زمینه زبان تاتی از بخش‌های دیگر مقدمه است و پایان‌نامه‌ها، مقالات و فرهنگ‌های نگاشته‌شده در زمینه زبان تاتی جنوبی مورد تکلم در داخل مرزهای ایران در این بخش معرفی شده‌اند.

بخشی از مقدمه نیز به معرفی شهرستان خلخال، بخش شاهرود از شهرستان خلخال و روستای درو اختصاص داده شده است. شهرستان خلخال در استان اردبیل واقع است. بخش شاهرود ناحیه‌ای کهن است که قدمت آن به گواه اشیای یافت شده در این ناحیه به دو هزار سال قبل نسبت داده شده است. روستای درو از روستاهای بخش شاهرود است. این روستا یکی از چند روستای بزرگ شاهرود خلخال است که در طول جغرافیایی $48/70^{\circ}$ شمالی و عرض جغرافیایی $37/42^{\circ}$ شرقی قرار گرفته است و بعد از روستای آسبو و قبل از روستای کلور (مرکز بخش شاهرود) واقع شده است. این روستا در سمت شرق به کوه و بند تالش (بیلاقات شاندرمن و رضوان شهر) و در غرب از طریق کوه به روستاهای لرد و میان رودان متصل است. به علت مجاورت با رودخانه شاهرود، باغات و مزارع فراوان روستای درو را در بر گرفته‌اند. از موقعیت طبیعی، شغل، غذا و پوشاک مردم، محلات و اماکن دیدنی و آیین‌های روستا نیز با تفصیلی مناسب سخن گفته شده است.

در ادامه مقدمه نکاتی جهت مطالعه راحت‌تر خوانندگان ذکر شده است که در بردارنده نکاتی در مورد رسم الخط مورد استفاده برای نگارش مدخل‌ها، تعاریف ارائه شده برای هر مدخل شامل معانی اصلی و معانی تلویحی و کنایه آمیز و علائم اختصاری مورد استفاده در فرهنگ می‌باشد. گرچه مولف فرهنگ خود گویشور زبان تاتی گونه دروی است، اما وی در جمع‌آوری واژگان به اطلاعات زبانی خود بسنده نکرده و از روش میدانی و یاری گویشوران عمدتاً تحصیل نکرده و سال‌خورده‌ای بهره برده که با زوایای مختلف گونه مورد نظر از تلفظ دقیق گرفته تا معنا و مصداق واژه‌ها کاملاً آشنایی دارند و از آنها در زندگی روزمره خویش استفاده می‌کنند. مولف در انتهای مقدمه نام گویشورانی که وی را در گردآوری واژگان فرهنگ یاری کرده‌اند ذکر کرده و از آنان قدردانی نموده است.

نگاهی به وضعیت گویش‌نامه یا فرهنگ‌های نوشته شده برای گویش‌های ایرانی نشان می‌دهد که شیوه موضوعی برای فرهنگ‌نگاری از مزایای زیادی برخوردار است، گرچه قبل از این نیز چند فرهنگ موضوعی (از جمله رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی ارده، ۱۳۸۷ و معراجی لرد، ۱۳۸۸) برای گویش‌های ایرانی نوشته شده بود، اما فصل‌های افزوده شده به این فرهنگ از جمله فصل‌های جای‌نام‌ها، واژگان دعا و نوازش، نام‌های اشخاص طبق سنت قدیمی و عبارات و تکیه‌کلام‌ها و نیز نحوه درج فعل‌های مرکب ضمیری، از نوآوری‌های قابل‌توجه در فرهنگ کنونی هستند. این روش فرهنگ‌نگاری می‌تواند الگویی مناسب برای نگارش فرهنگ لغات گویشی در آینده باشد؛ در شیوه‌نامه طرح اخیر گردآوری گویش‌های ایرانی توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز از روش موضوعی محور مشابه فرهنگ کنونی و دارای موضوعاتی مشابه آن استفاده شده‌است. مولف ایده فرهنگ موضوعی را از فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی (رضایتی کیشه‌خاله و خادمی ارده، ۱۳۸۷) الگو گرفته و ذکر مدخل‌ها به صورت موضوعی را سبب تسهیل درک خواننده از مدخل‌ها دانسته است که علت این تسهیل نیز موضوعی ذخیره‌شدن بر اساس مشترکات و نه الفبایی طبقه بندی‌شدن واژگان در ذهن افراد می‌باشد. از سوی دیگر برای خوانندگانی که به دنبال واژه‌ای خاص در بین مدخل‌ها هستند نیز نمایه الفبایی در پایان فرهنگ آورده شده‌است.

از جمله نکات مثبت این فرهنگ می‌توان به ذکر آوانویسی متداول معرفی‌شده از سوی انجمن بین‌المللی آواشناسی برای هر مدخل اشاره کرد که سبب تسهیل تلفظ صحیح واژه‌های مدخل‌شده برای خوانندگان گشته‌است. مرز تکواژها در مدخل آوانویسی‌شده هر واژه با قرار دادن نقطه مشخص شده‌است.

پس از ذکر تلفظ هر مدخل، واژه مورد نظر تعریف شده است. برای مدخل‌هایی که دارای معادل دقیق فارسی هستند به ذکر معادل فارسی بسنده شده است و برای مدخل‌هایی که واژه‌ها یا اصطلاحات خاص گونه تاتی دروی هستند، تعریفی از مدخل مورد نظر ارائه شده تا خواننده درک مناسبی از آن داشته باشد؛ برای نمونه می‌توان به تعریف واژه‌های مربوط به کشاورزی، دامداری، باغداری و غیره اشاره کرد.

انتخاب صحیح مدخل‌ها از دیگر ویژگی‌های فرهنگ تاتی است و مؤلف در مدخل کردن واژه‌ها به درستی عمل کرده است. انتخاب شکل مصدری و صرف‌نشده افعال و پرهیز از صرف افعال و نیز مدخل کردن صورت صرف‌نشده اسم‌ها نمونه‌ای از این موارد است.

محدود کردن فرهنگ به واژگان یک روستا و گونه زبانی آن از دیگر نکات مثبت این فرهنگ است. زبان تاتی گونه‌های زبانی متنوعی دارد که سبب می‌شود گونه زبانی یک روستا با گونه‌های دیگر حتی هم‌جوار آن تفاوت‌هایی آوایی، واژگانی، ساخت‌واژی و یا نحوی داشته باشد؛ مولف با درک این تفاوت‌ها، واژگان فرهنگ را به محدوده یک روستا اختصاص داده است.

بخش‌ها یا موضوعاتی از این فرهنگ به دلیل اهمیت آن‌ها در مطالعات زبان‌شناختی و گویش‌شناختی در فصول مستقلی آمده است از جمله فصل‌های «دستور (تکواژهای دستوری)»، «صفات»، «ضمائر»، «قیدها» که برای هر یک از مدخل‌های این فصل‌ها مثالی نیز ذکر شده است؛ بخش‌هایی از فرهنگ نیز به دلیل اهمیت موضوعی‌شان در فرهنگ و زندگی مردم منطقه در فصلی مجزا گنجانده شده‌اند، از آن جمله فصل‌های «نان و تنور»، «گردو و واژه‌های مربوط به آن»، «واژه‌های مربوط به گندم» و «تره‌ها». علاوه بر واژه‌ها، تعداد زیادی از عبارات و تکیه کلام‌هایی که به جملات کلیشه‌ای تاتی تبدیل شده‌اند نیز به این فرهنگ اضافه شده‌اند. در فصل «تره‌ها» مولف نام ۵۱ تره را ذکر کرده است؛ در فصل «گیاهان و علف‌ها» نام ۱۰۴ گیاه و علف در منطقه مورد نظر، و در فصل «سبزی‌ها، جالیز و بستان» ۶۰ واژه ذکر شده است. دقت نویسنده در جدا کردن این حوزه‌ها و نیز جمع‌آوری این تعداد واژه به لحاظ کمی قابل توجه است. در بخش بازی و سرگرمی‌ها نیز به بسیاری از بازی‌ها و قواعد آنها و همچنین ترانه‌های بازی‌ها اشاره شده است. در فرهنگ مذکور ۴۱۷ مصدر پیشوندی، ۲۰۹ مصدر ساده، ۵۷۵ مصدر مرکب و ۴۱۸ کنایه گردآوری شده است.

از جمله فواید این فرهنگ توجه به مسائل زبان‌شناختی است؛ نویسنده از نشانه‌ها و علائمی مدد جست که برای متخصصین بسیار مفید است و خوانندگان را در استفاده از بخش‌ها و اجزای فرهنگ در تحقیقات زبان‌شناختی یاری می‌دهد؛ به عنوان نمونه، تکواژهای تصریفی و اشتقاقی زبان تاتی دست‌کم با ذکر یک مثال آوانویسی شده در فصل دستور گردآوری شده‌اند؛ در فصل ضمائر نیز برای هر مدخل مثالی از کاربرد مدخل مورد نظر درون یک جمله کوتاه ذکر شده است.

توجه به روش‌های فرهنگ‌نویسی از دیگر ویژگی‌های فرهنگ کنونی است؛ برای مثال، مولف با استفاده از علامت ستاره (*) که در بالای سمت چپ واژه‌های مورد نظر قرار داده شده، از تکرار تعریف و معنای مدخل‌های فرهنگ پرهیز کرده است و به خواننده نشان داده است که آن واژه خود مدخل است و باید به آنجا مراجعه کند و چنان‌چه شرح مدخلی در فصلی دیگر آمده با علامت ← این مطلب را به خواننده نشان داده است.

سبزعلیپور در رساله دکتری خود نیز به بررسی تطبیقی ساختمان فعل در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی و مقایسه آن‌ها با زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه (۱۳۸۸- الف) پرداخته و پیش از این، مقاله‌های متعددی در زمینه زبان تاتی به چاپ رسانده است از جمله "ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال (۱۳۸۶) مقاله مشترک با دکتر رضایتی کیشه‌خاله"، "ریشه و ماده فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی (۱۳۸۷) مقاله مشترک با دکتر رضایتی کیشه‌خاله"، "ساختمان فعل در گویش تاتی خلخال (۱۳۸۸- ب)", "بررسی واژه‌های گویشی در زبان و ادبیات فارسی (مطالعه موردی گویش تاتی) (۱۳۸۹)", "نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال (۱۳۸۹)" و "پیرامون تاتی کلاسور (۱۳۹۰- الف)؛ این پژوهش‌ها از سویی سبب اشراف بیشتر وی بر زبان تاتی و مسائل زبان‌شناختی این زبان و گونه مورد بررسی و از سوی دیگر تسلط وی در جمع‌آوری واژه‌های این فرهنگ و مشخص کردن مرز تکواژها و نیز بحث‌های دستوری ارائه‌شده در مقدمه و فصل‌های مربوط به دستور زبان تاتی در این اثر شده است. در خاتمه، نمونه‌ای از فرهنگ تاتی را می‌آوریم:

<p>آ^۱ - â : تکواژ تمنایی، مانند: bə.mər.â (بمیراد)، لچه گرج bə-zan-â (بزناد). آ^۲ - â : وند نمود تأکید، مانند: ma.zan.â (نزنی‌ها). آ^۳ - â : پیشوند فعلی، مانند: â.kard.en (باز کردن). آ^۴ - â : پیشوندی است که از اسم و صفت، اسم جدید می‌سازد، مانند: pan.â (پهنا). آن^۱ - ân : پسوند اسم زمان‌ساز، مانند: seb.ân (صبح‌گاهان). آن^۲ - ân : تکواژ جمع غیرفعلی، مانند: gâv.ân a</p>	<p>لچ lač : بالاترین شاخه یا نوک درخت لچه گرج lač.ə.gərč : شاخه‌ای که گرج (←) گسترده‌تری (ها) داشته باشد، پر میوه، این صفت برای درختان و شاخه‌های پر بار به کار برده می‌شود. لرت lərt : ← ترت* لک زن lək zen : تکان دادن درخت و شاخه برای ریختن میوه آن، این حالت اغلب برای درخت زردآلو اتفاق می‌افتد. لو lu : ← دازه لو* لوینانه اسبو lubnân.a asiv : سیب لبنان، سببی که</p>
--	--

bə.za (گاوها او را زدند). -آن- ٢ -ân- : وند سببی (واداری)، مانند: xur.ân.ə (می‌خنداند).	نوع آن برخلاف سیب‌های بومی امروزه در بازار بسیار است و دو نوع دارد: اسیبه اسیو* و سره اسیو*
---	---

منابع :

- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی ارده (۱۳۸۷)، فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی (شامل لغات، ترکیبات و کنایات تالشی مرکزی)، دانشگاه گیلان؛
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان دوست سبزعلیپور (۱۳۸۶)، «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب‌پژوهی، سال اول، شماره اول، ص ۸۹-۱۰۵؛
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان دوست سبزعلیپور (۱۳۸۷)، «ریشه و ماده فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی»، فصلنامه ادب‌پژوهی، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۱۱-۱۳۲؛
- سبزعلیپور، جهان دوست (۱۳۸۸-الف)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان؛
- _____ (۱۳۸۸-ب)، «ساختمان فعل در گویش تاتی خلخال»، مجله زبان‌شناسی، سال ۲۳، شماره دوم، پاییز و زمستان، شماره پیاپی ۴۵، ص ۳۹-۶۲.
- _____ (۱۳۸۹)، «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال»، فصلنامه ادب‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۱۰۹-۱۳۰؛
- _____ (۱۳۹۰-الف) «پیرامون تاتی کلاسور» مجله زبان و ادب فارسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۴ بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۸۹-۱۱۳؛
- _____ (۱۳۹۰-ب)، فرهنگ تاتی، رشت، فرهنگ ایلپا؛
- سبزعلیپور، جهان دوست و افشین حداد (۱۳۸۹) «بررسی واژه‌های گویشی در زبان و ادبیات فارسی (مطالعه موردی گویش تاتی)»، همایش منطقه‌ای زبان و گویش‌های محلی گیلان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۲ اسفند سال ۱۳۸۹؛
- معراجی لرد، جواد (۱۳۸۸)، فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی، گویش تاتی روستای لرد شاهرود خلخال، شامل کنایات، ترکیبات و اصطلاحات، رشت، بلور.